

کتاب چهارشنبه

## مهاجرت اجباری اختیاری

دیر زمانی نیست که ایرانی، کشورش را حبس می‌کند در قلبش و کوله‌بارش را بر دوشش می‌گذارد و روانه دیارهایی می‌شود که نامشان را می‌گذارد غربت. داستان مهاجرت، چنان صدای دهل‌بست که هرچند از دور خوش است، قصه‌ای پر غصه است.

«امین انصاری»، داستان نویس ایرانی است که عموماً آثارش، از زیر تیغ ارشاد جان سالم بدر نمی‌برند. انصاری در این باره گفته است:

«بعد از غیرمجاز اعلام شدن یکی از داستان‌های بلندم و متعاقباً



مرضیه آرمین

سانسورشدن دو کتاب دیگر، درست بعد از انتخابات سال ۸۸ بود که تصمیم گرفتم کلمه‌ای راحت‌تر به سلاجخانه‌ی ارشاد نسیم. این شد که «شکار» را به عباس معروفی و «نشر گردون» اش سپردم و حالا با «نوگام» تجربه‌ی جدیدی را آغاز می‌کنم؛ امید که طعم‌اش شیرین باشد».

اثری که انصاری به نشر نوگام سپرده است، داستانی‌ست در باره‌ی مهاجرت. «والس با آب‌های تاریک»، خاطرات مرد ایرانی مهاجر است در فایقو متعاقباً آنچه که این روزها بر او می‌گذرد. مرد از دردهایی می‌گوید که هرگز پایدانی برایشان نیست. فایقی که داوود و دیگران را از ساحل اندونزی دور می‌کند، فایقی که شبیه به تخته‌بار است، فرسنگ‌ها دور از مقصد، درست جایی که مسافران، آب‌های سیاه زیر پایشان می‌بینند، خراب می‌شود و بعد هم عرف. داوود، اما جان سالم بدر می‌برد. حالا، هنوز درگیر صحنه‌ای است که می‌توانست لحظات آخر عمرش باشد. لحظاتی که حباب‌های آب را می‌دید. حباب‌ها، گه‌گاه به سراغش می‌آیند و زندگی‌اش را مخدوش می‌کنند. «می‌دانم باید چشم‌انم را باز کنم. باورم نمی‌شود، دوباره افتاده‌ام میان حباب‌ها، حباب‌هایی کوچک و گرد و مهربان که با خودشان اکسیژن را به سطح آب می‌آورند. حالا درست از پیش صورت می‌گذرند. کار خودشان را می‌کنند حباب‌ها، به آدم کاری ندارند».

داوود، به امید زندگی بهتر، هویت خودش را تغییر داده و داستانی محکمه پسند برای اداره‌ی مهاجرت و پناهندگی استرالیا ساخته و این داستان را گاهی مرور می‌کند. همسفران داوود نیز، هر یک داستان خودشان را دارند. فردی که مثل داوود، داستانی از زندان‌های خیالی‌ای که رفته است، ساخته. زنی که برای جمع کردن پول و پرداخت هزینه‌ی مهاجرت، مدتی به تن فروشی مشغول بوده. مردی که سال‌ها که چیز زیادی از خودش نمی‌گوید و آخر سر هم روی عرشه‌ی فایقی، جان می‌بازد و تنش به آب‌ها سپرده می‌شود. مسلمانان عرب زبانی که ایرانی‌های بی‌نماز را مسبب خرابی فایقی و بدبختی‌هایشان می‌دانند و دیگری که با داستان‌هایشان واقعی‌ست و یا ساختگی.

امین انصاری که خود ساکن استرالیا است، در باره‌ی چرایی نوشتن داستان بلندش، «والس با آب‌های تاریک»، به نوگام گفته است: «استرالیا ماجراهای عجیب نشنیده‌ی زیادی دارد. از رسم و رسومات مردمش گرفته تا تاریخی که پشت سر گذاشته. برایم بسیار تکان‌دهنده بود که یک نقطه‌ی تاریک تاریخ‌معاصر این کشور، به هموطنان من مربوط باشد. با کنجکاو زیاد خیرهایمربوط به مهاجرین غیر قانونی ایرانی، افغانی و عربی را که توسط فایق‌خودشان را به آب‌های استرالیا می‌رسانند، پیگیری کردم. تا به خودم بیایم‌ایم به بازداشتگاه‌شان در اطراف شهر باز شده بود. یک سالی نشستم پاداستان آدم‌هایی که به قول خودشان جهنم را به قصد بهشت ترک کرده بودند و داستان خود را دره‌ذره ساختم».

قلم روان و نثر خوب نویسنده، از ویژگی‌های این اثر است. به علاوه، صداقت و توانایی عدم قضاوت نویسنده در این اثر آشکار است: از دیگر سو، اثری به زبان فارسی که با این جزئیات، به آنچه که بر مهاجران و در جریان سفرشان، خصوصاً مسافران پس از اتفاقات سال ۸۸، رفته است پرداخته باشد، کمیاب است و همین امر نیز بر ارزش این کتاب می‌افزاید.

در همین زمینه:

- نمی‌خواهم به شما خوش بگذرد!
- تریو تهران: رازهای نهان شهر
- و زحمت فراموش کردن بهاره!
- شبیه عطری در نسیم
- در گور گم شده

این مطلب را در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک بگذارید

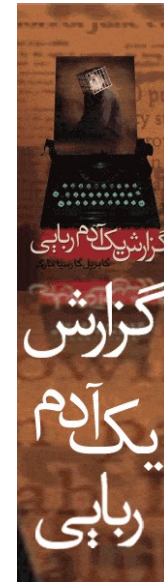
2

Tweet

G+1



www.rahedigar.net



ما را در فیس بوک پیابید

خبرنامه

ایمیل خود را اینجا وارد نمایید  
 عبارت **J 4 MK** را در  وارد کنید.

جستجو



بایگانی شماره

بایگانی ماهیانه

بایگانی سالیانه

دسته بندی

اخبار  
 اقتصاد  
 پیراهه  
 پرونده آخر هفته  
 جامعه  
 سیاست  
 فرهنگ  
 کتاب چهارشنبه  
 نگاه  
 دفتر کودکی-ضمیمه  
 هفتگی  
 نویسندگان  
 جستجوی پیشرفته  
 درباره ما  
 ارتباط با ما

